

تفاوت بین ازدواج مسیاری و ازدواج موقت

الحمد لله الذي خلق من الماء بشراً فجعله نسباً وصهراً،
والصلاة والسلام على خاتم رسل الله محمد وآله وصحبه ومن
والاه إلى يوم الدين.

این بحث مختصری برای جوان مسلمان در مرحله سوم از
عمرشان است که هنوز ازدواج نکرده و اطلاعاتی کافی از فقه
اسلامی درباره مسائل عامه زندگی ندارند.

این بحث از دو جهت آشکار و جدید در جهان اسلام
بطور عمومی و در منطقه خلیج به طور خصوصی ضروری به
نظر می‌رسد.

- توضیح ازدواج مسیاری.

- اشتباه بعضی از برادران شیعه بین ازدواج مسیاری و
ازدواج موقت.

خداوند همه ما را به راه حق و صواب هدایت دهد.

مواقف زیادی - بدون مبالغه - از بعضی برادران شیعه در
برابر بعضی جوانان اهل سنت خصوصاً در مقطع سنی مذکور
مشاهده شده است یعنی آنان اقدام به نکاح متعه می‌کنند با این
ادعاء که با ازدواج مسیاری که بعضی از علماء اهل سنت آنرا
جائز می‌دانند یکی است. این کار ادامه یافت تا جایی که
ممکن است بعضی از این جوانان بدون علم به حقیقت نکاح
مسیاری و تفاوت ذاتی آن با نکاح متعه در حرام بیافتند. با این
باور که کار حلال انجام داده‌اند. بنابراین ذیلاً تعریف ازدواج
مسیاری و فرق آن با ازدواج موقت به اختصار بیان می‌شود. تا
هر کسی که این دو را با هم اشتباه می‌گیرد بتواند تقوای خدا
را عملی سازد و ناخواسته اسباب افساد جوانان فراهم نشود.

ما حتی جوانان را به ازدواج مسیاری ترغیب نمی‌کنیم چون
علی‌رغم اجازه برخی علماء اسباب مشخصی دارد که این اسباب
چهارچوب آنرا بسیار محدود می‌کنند. اما در هر صورت آنرا
توضیح می‌دهیم تا جوانان با این شبهه که نکاح متعه همان نکاح
مسیاری است مرتکب نکاح متعه نشوند.

ازدواج مسیاری

نکاح مسیاری همان ازدواج شرعی با شروط و ارکان معروف در علم فقه است ولی در آن زن با رضایت خودش متضمن می‌گردد از بعضی حقوق شرعی خود بر عهده زوج تنازل کند مانند عدم درخواست نفقه و مسکن و عدم رعایت قسم (عدالت در همبستری بین همسران) یعنی مرد بدون تحدید و در وقتی معلوم که با اختیار و رضایت زن و مرد مشخص شده است نزد او می‌آید.

شاید اصل نامگذاری آن از سیر یعنی رفتن نزد زن در شب یا روز باشد. مسیاری بر وزن مفعال یعنی مردی که زیاد رفت و آمد می‌کند، یا در منطقه خلیج نامگذاری آن از کلمه «التسیوره» به معنی زیارت کوتاه در روز گرفته شده است. می‌توان بارزترین اسباب تجویز آنرا در مردان اسباب زیر دانست.

- عدم اشباع مرد نزد همسر اولی به علت سن زیاد او و کاهش رغبت در معاشرت جنسی با شوهر خود.
- عدم قدرت مرد در تأمین هزینه‌های سنگین از جمله مهریه، مسکن و ... است که امروز سقف مهریه و هزینه مراسم ازدواج بالا رفته است.

- عدم مستقر دائمی بودن در محل کار.

اما اسباب تجویز آن در زنان عبارتند از:

- افزایش دختران مسن، بیوه‌زنان و طلاق بین همسران.
- حفظ پاکدامنی و داشتن فرزند و میسر نشدن ازدواج دائم.

- نیاز به ماندن در خانه پدر و مادر برای مراقبت از آنان یا یکی دیگر از نزدیکان.

- مشغولیت زیاد به فرزندان و اشتغال در خارج از منزل.
به علت مشکلات ناشی از نکاح مسیاری بعضی از علماء آنرا تحریم کرده‌اند چون گاهی به دلیل عدم استقرار آن و سوءاستفاده

بعضی از افراد جامعه (زن یا مرد) از آن تهدیدی علیه کیان خانواده به حساب می‌آید.

با این حال بسیاری از ازدواج‌های بسیار استقرار داشته و عملاً موفق بوده‌اند به علت اینکه طرفین آن بسیار جدی و صادق بوده، و چیزی بیشتر از ده سال از نشأت و انتشار آن در منطقه می‌گذرد، در مقابل بسیاری از این نوع ازدواج به علت عدم صداقت و جدیت طرفین به جدایی منجر شده‌اند گرچه این دو عامل علت اساسی جدایی در نکاح اصلی نیز هستند. در هر صورت توصیه می‌کنیم کسی که اقدام به چنین ازدواجی می‌کند تقوای خدا را در مورد خود، جامعه و زنی که می‌خواهد او را عقد کند مراعات نماید.

حکم ازدواج مسیار

ازدواج مسیار اگر ارکان و شرایط شرعی خود مانند رضایت زوجین حضور ولی و شاهدین و ... را داشته باشد صحیح است و اینکه زن از بعضی حقوق خود تنازل کند در صحت عقد ازدواج خلل ایجاد نمی‌کند چون نصوص شرعی در تأیید آن وجود دارند.

۱- خداوند می‌فرماید: ﴿وَإِنْ أَمْرًا خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ﴾. (النساء: ۱۲۸).

«و اگر زنی، از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند (و زن یا مرد، از پاره‌ای از حقوق خود، بخاطر صلح، صرف نظر نماید) و صلح، بهتر است».

ام‌المؤمنین عائشه رضی الله عنها درباره سبب نزول آن می‌گوید: «زنی که شوهرش از او بهره کامل نمی‌برد و می‌خواهد طلاقش دهد و زنی دیگر را عقد کند ولی زن به مرد می‌گوید: مرا نگه

دار (طلاق مده) و زن دیگری عقد کن و در نفقه و قسم درباره من اختیار کامل داری. این مصداق قول خداوند است که می‌فرماید: ﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيَّمَا أَنْ يُصَلِّحَا بَيْنَهُمَا صَلَاحًا^ع وَأَلْصَلُّحُ حَيْرٌ﴾. (رواه البخاری ۵۲۰۶، فتح الباری ۳۰۴/۹، تفسیر قرطبی ۴۰۳/۵).

علی رضی الله عنه می‌گوید: این آیه درباره زنی نازل شد که مفارقت از شوهرش را نمی‌پسندد پس روی این اصل که هر سه یا چهار روز یکبار به او سر بزند با هم مصالحه می‌کنند. (فتح الباری، شرح حدیث ۴۶۰۱).

ابن کثیر در تفسیر این آیه می‌گوید: «اگر زن ترسید که شوهرش از او جدا شود یا اعراض کند می‌تواند از حقوقش مانند: نفقه، لباس، هم‌بستر شدن و امثال اینها در مقابل شوهرش تنازل کند، و شوهر می‌تواند آنرا بپذیرد و هیچکدام از زن و مرد در این مورد گناهکار به حساب نمی‌آیند. (تفسیر ابن کثیر ۵۶۱/۲ - ۵۶۲ چاپ دارالمعرفه).

۲- عروه بن زبیر از عائشه رضی الله عنها روایت می‌کند که سوده دختر زمعه روز خودش را به عائشه بخشید و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سهم سوده و سهم خودش نزد عائشه می‌رفت. (رواه البخاری ۵۲۱۲).

بدین خاطر فقهاء تصریح کرده‌اند که زن می‌تواند از حقوق خود در مقابل شوهرش تنازل کند. (المغنی ۲۶۲/۱۰).

بنابراین دارالافتاء مصر و هیأت فتوی در وزارت اوقاف و شئون اسلامی کویت و عبدالعزیز بن عبدالله بن باز رحمته الله و شیخ عبدالعزیز بن عبدالله آل‌الشیخ مفتی عام عربستان سعودی و تعداد زیادی از اعضاء هیئت افتاء و دعوت و ارشاد در عربستان سعودی همه فتوای صحت ازدواج مسیار را صادر کرده‌اند.

علاوه بر صحت ازدواج بسیار از نظر شرع مصالحی نیز برای دو طرف زن و مرد دارد مانند اینکه: مرد راغب است از راه حلال ارضاء جنسی گردد اما توان تحمل تکالیف آن و مخارج زن دوم را ندارد، و زن نیز دوست دارد ازدواج کند و از نفقه و مسکن و رعایت عدالت در همبستری با او صرف نظر نماید. در واقع زن می‌خواهد شوهری داشته باشد تا دچار حرام نشود و پاک‌دامن بماند.

پس چون ازدواج بسیار ازدواجی صحیح است احکام شرعی ازدواج دائم بر آن مترتب می‌گردند. یعنی باید به زن مهریه پرداخت شود و شوهر از نظر نسبی پدر فرزندان محسوب گردد و در ازدواج بسیار مانند ازدواج دائم بعضی از زنان خویشاوند همسرش (مانند: مادر زن، خواهر زن و ...) بر او حرم می‌گردند و زن هنگام طلاق یا مرگ شوهر باید عده را بگذارند و در صورت مرگ یکی از زوجین دیگری از او ارث می‌برد.

ازدواج موقت (متعہ)

ازدواجی است که در آن مرد زن را برای یک مدت معین در مقابل مهریه‌ای معلوم عقد می‌کند و بدون طلاق با تمام شدن مدت زمان معین شده نکاح پایان می‌پذیرد و تأمین نفقه و مسکن زن بر مرد واجب نیست و اگر یکی از زن و مرد در مدت نکاح بمیرند از همدیگر ارث نمی‌برند.

با توجه به مطالب گذشته ازدواج بسیار ذاتاً با ازدواج موقت نزد برادران تشیع تفاوت دارد چون ازدواج بسیار همان ازدواج دائم است که در آن زن از مقداری حقوق خود تنازل می‌کند.

در نکاح متعه برادران تشیع احکام شرعی متفاوت از احکام شرعی ازدواج دائم بر آن مترتب می‌کنند. مانند اینکه:

۱- در ازدواج موقت (نکاح متعه) طلاق وجود ندارد و با تمام شدن مدت آن طلاق زن واقع می‌شود. اگر مدت آن یک هفته

باشد بعد از پایان آن عقد نکاح به پایان رسیده. و ارتباط آنها با همدیگر حرام می‌شود لذا نیازی به تلفظ طلاق برای انتهاء عقد نیست.

(شرائع الاسلام حلی ۲۹۷/۴ با شرح عبدالزهراء حسینی واللمعه دمشقیه ۲۸۹/۵ و الکافی ۴۵۱/۵).

۲- با ازدواج موقت میراث بین آنها ثابت نمی‌شود و اگر یکی از آن دو در اثناء نکاح متعه بمیرد از دیگری ارث نمی‌برد. (شرائع الاسلام ۲۹۸/۴ واللمعه دمشقیه ۲۹۶/۵ و الکافی ۴۵۱/۵).

۳- وقتی مدت نکاح متعه پایان پذیرفت عدّه زن دو حیض و اگر زن حائضه نباشد عدّه او چهل و پنج روز است.

(شرائع الاسلام ۲۹۸/۴، اللمعه دمشقیه ۳۰۱/۵، الکافی ۴۵۸/۵).
اما عدّه مطلقه در ازدواج شرعی صحیح برای زنان حائضه سه قره و برای زنان غیر حائضه (به علت سن کم یا کهولت سن) سه ماه است. خداوند می‌فرماید: ﴿وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾. (البقره: ۲۲۸).

«زنان مطلقه، باید به مدت سه مرتبه عادت ماهانه دیدن (و پاک شدن) انتظار بکشند! (عده نگه دارند)».

﴿وَالَّتِي يَبْسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ أَرْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَالَّتِي لَمْ تَحِضْنَ﴾. (الطلاق: ۴).

«و از زنان آنان که از عادت ماهانه می‌بوسند اگر در وضع آنها (از نظر بارداری) شک کنید عدّه آنان سه ماه است، و همچنین آنها که عادت ماهانه ندیده‌اند».

یکی از شروط ازدواج موقت تعیین پایان مدت زمان عقد و مقدار مهریه آن است.

حلی می‌گوید: وقتی مقدار مهریه و مدت زمان نکاح مشخص شد عقد صحیح است. ولی اگر مهریه ایراد داشته باشد گرچه مدت آن مشخص باشد درست نیست.

او می‌گوید: تعیین اجل در نکاح متعه شرط لازم است و اگر تعیین نشود نکاح دائم به حساب می‌آید. و مدت نکاح کم باشد یا زیاد مانند: یک سال، یک ماه یک روز و ... باید تعیین گردد و قابل تغییر نیست. اگر مدت آن کمتر از یک روز باشد باید انتهای آن مانند زوال آفتاب یا غروب آن معلوم شود. (مرجع سابق ۲۹۴/۴ - ۲۹۵، اللعه دمشقیه ۲۸۶/۵ - ۲۸۷، المبسوط طوسی ۲۳۸/۴).

عاملی می‌گوید محدودیت در مهریه (زیاد یا کم) و محدودیت در اجل (زیاد یا کم) وجود ندارد و قول بعضی که باید حداقل زمان آن بین طلوع خورشید و زوال آن باشد استثنا است. (اللعه دمشقیه ۲۸۵/۵). بنابراین ازدواج موقت در کمترین زمان مثلاً یک ساعت یا کمتر از آن نیز جائز است.

تفاوت دیگر ازدواج مسیار و ازدواج موقت

۴- در نکاح متعه حضور ولی و شاهدان شرط نیست، اما در ازدواج مسیار مانند ازدواج دائم حضور ولی و شاهدان شرط الزامی است. (مستدرک الوسائل ۴/۵۵۹، الوسائل ۲۱/۶۴).

۵- مردی که نکاح متعه می‌کند در تعداد زنان در یک زمان محدودیت ندارد. یعنی می‌تواند تعداد زیادی زن با عقد موقت در یک زمان داشته باشد، اما در ازدواج مسیار همزمان نمی‌تواند بیشتر از چهار زن داشته باشد گرچه عقد همه آنها مسیار باشد. (الکافی ۵/۴۵۲).

۶- در نکاح متعه اگر زن غائب شود مستحق مهریه نیست و مرد می‌تواند به نسبت غیبتش مهریه را کم کند جز ایامی که زن در حیض است، اما در نکاح مسیار مانند ازدواج دائم (بعد از دخول) در هر حال مستحق کل مهریه است.

در هر صورت از سیره الجهنی علیه السلام نقل شده که گفت:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «یا ایها الناس إني قد كنت أذنت لكم في الاستمتاع

من النساء وإن الله قد حرم ذلك إلى يوم القيامة فمن كان عنده منهن شيء فليخل سبيله ولا تأخذوا مما آتيتموهن شيئاً» (رواه مسلم: ۱۴۰۶).

«ای مردم من در نکاح متعه به شما رخصت دادم اما اکنون خداوند آنرا تا روز قیامت تحریم کرد هر کس زنی با نکاح متعه دارد آنرا رها کند و از مهریه آنها کم نکند».

تبصره

براستی هر انسان سلیم الفکری با دقت به ازدواج موقت نظر کند آنرا از چند نظر ناپسند و قبیح می‌داند.

أ) اگر انسان در زمان موقت آن بنگرد که ممکن است یک ساعت یا کمتر از آن باشد فوراً متوجه می‌شود هدف از این ازدواج تنها ارضاء شهوت و تخلیه منی است که در معنا همان سفح است چون مرد زناکار نیز هدفی جز تخلیه منی و ارضاء شهوت ندارد و دقیقاً وجه تسمیه زنی به سفاح همین است.

ب) اگر به زنی که نکاح متعه می‌کند بنگری نمی‌توانی او را عفیف و پاک‌دامن بنامی، بی‌شک انسان نسبت به او نظر خوبی ندارد زیرا کار او ناشی از عفت و پاکی نیست بدین خاطر این نوع نکاح سری انجام می‌شود و آشکارش نمی‌کنند چون فطرت انسان آنرا نمی‌پسندد.

اگر شما به هر زنی - ولو غیر مسلمان - بگویی: به مدت یک یا چند ساعت یا چند روز با تو ازدواج می‌کنم و در مقابل به تو اجر پرداخت می‌نمایم. یقیناً او می‌داند این امر ازدواج نیست و تفاوتی با زنی ندارد.

ج) وقتی انسان به ولی زن در نکاح متعه فکر می‌کند می‌گوید: او چگونه به دختر یا خواهرش اجازه می‌دهد برای مدت چند ساعت یا چند روز به نکاح مردی درآید و پس از این مدت ازدواج پایان پذیرد. بی‌شک این ولی بسیار بی‌ارزش به نظر می‌آید زیرا والاترین صفت مرد مسلمان یعنی شرف و غیرت را از خود سلب کرده است. بدین خاطر نکاح متعه

بدون حضور ولی صورت می‌گیرد و فقهاء شیعه موافقت ولی را به شرط نگرفته‌اند.

حلی می‌گوید دختر یا زن بالغ و رشید می‌تواند عقد ازدواج موقت ببندد و ولی او حق اعتراض ندارد. (طبق مشهورترین قول). (شرائع الاسلام حلی ۲۹۶/۴).

بدین خاطر نکاح متعه پنهان می‌ماند و جز زوجین و عاقد آنها هیچ کس حتی ولی زن نیز گاهی از آن اطلاع ندارد چون احساس عیب و عار به همراه دارد.

بنابراین نکاح متعه عمل قبیحی است و هر عاقلی که متأثر از هوا و شهوت نشده باشد آنرا ناپسند و ممنوع می‌داند پس وقتی انسان عاقل به چنین نتیجه‌ای می‌رسد. معقول نیست شارع حکمی صادر کند که عقل آنرا نمی‌پسندد و برای ممنوع بودنش و تطابق این حکم با معیار عقل این آیه کافیست که می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ ۗ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾. (النحل: ۹۰).

«خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید».

خلاصه

از مطالب گذشته متوجه شدیم که نکاح متعه و مسیار با هم شباهت ندارند و ذاتاً با هم اختلاف دارند. خلاصه این اختلافها عبارتند از:

ازدواج مسیار ابدی است و تمام ارکان و شرایط شرعی ازدواج دائم را دارد و تمام احکام شرعی ازدواج دائم بر آن مترتب است. از جمله: مهریه، نفقه، مسکن، ثبوت نسب

فرزندان، وجوب عده شرعی هنگام طلاق یا مرگ شوهر و بردن ارث از همدیگر، با این تفاوت که زن از بعضی از حقوق خود در برابر شوهرش تنازل می‌کند.

با این وصف علماء در ازدواج بسیار سخت‌گیری می‌کنند تا عوارض منفی آن باعث از هم‌پاشیدگی نهاد خانواده نشود. اما نکاح متعه، ازدواج موقت است و با تمام‌شدن وقت آن بدون طلاق باطل می‌گردد و آثار ازدواج دائم بر آن مترتب نیست. مثلاً زوجین از همدیگر ارث نمی‌برند و عده زن در نکاح متعه با نکاح دائم متفاوت است. از نظر حکم نیز با هم برابر نیستند.

بنابراین هرگز نباید ازدواج متعه را بر ازدواج بسیار قیاس کرد.